

مسائل زنان در جمهوری اسلامی

حسین حقانی زنجانی

{ آنها که دم از حمایت حقوق زن می‌زدند
بدترین اهانت‌ها را به‌مقام شامخ زن کردند }

با انجام رفراندوم و استقرار جمهوری اسلامی براساس رأی آزاد ملت مسلمان ایران، الزاما طرح یک سلسله از مسائل مختلف اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و حقوقی صورت جدی تری بخود گرفته و اذهان عده‌ای را بخود مشغول داشته و جدا خواهان یافتن روشهای فاطع اسلام و اصول و موازین آن در این‌گونه مسائل هستند و حق نیز با آنان است.

زیرا قبل از انقلاب در رژیم طاغوتی این‌گونه مسائل غالبا اگر مورد بحث قرار می‌گرفت تنها به‌صورت تشریفاتی و مسخ شده و یا انحرافی بود ولی بعد از انقلاب، ملت مسلمان با علاقه و آفری می‌خواهند به‌فرهنگ اصیل سنتی خود باز گردند و جامعه نوینی را با سیستم اقتصادی و سیاسی جدیدی بنیان‌گزاری کنند طبعاً می‌خواهند به‌طور جدی با اینگونه مسائل برخورد کنند و نحوه تحقق و نتیجه آنرا بدانند.

از جمله این مسائل حقوق زن در قانون اساسی جدید و موقعیت او در اجتماع آینده ایران در زمینه آزادیهای فردی و اجتماعی - تحصیل - کار - استقلال مالی و

دست‌یابی به هر نوع شغلی بدون اختلاف با مردان و ده‌ها مسائل دیگر از این قبیل می‌باشد.

قبل از بررسی خطوط اصلی نظر اسلام در این مسائل، لازم است دورنمایی از وضع زن در رژیم طاغوتی سلسله پهلوی قبل از انقلاب سپس در بحبوحه انقلاب و بعد از انقلاب از نظر خوانندگان بطور اجمال بگذرانیم: زن در مدت ۵۷ سال حکومت پهلوی بطور کلی، موقعیت اصیل و واقعی خود را از دست داده، تبدیل به عروسک‌های بی‌اراده شده بودند.

آنان به‌حسب ظاهر گواينکه سازمان‌های گوناگون و پرزرق و برق به عنوان دفاع از حقوق زن برای گول‌زدن آنها ایجاد کرده بودند و مرتباً در رسانه‌های گروهی و سخنرانیها و مجامع بین‌المللی، دم‌از‌تساوی حقوق بین زن و مرد ایرانی می‌زدند، و اشرف پهلوی‌ها و عده‌ای دیگر از نازپرورده‌ها و زنان اشرف را در رأس این سازمان‌های کذافی قرار داده بودند ولیکن همه این اقدامات، محصولی جز سوق دادن زنها، به سوی تجمل پرستی و خودخواهی و چشم و هم‌چشمی و ساقط کردن شخصیت زن ایرانی در سطح جهانی نداشت و این گفته بر هر شخص منصفی، مخفی و پوشیده نیست. آری از زنی هم‌چون اشرف پهلوی رئیس قاچاقچیان هروئین و سایر مواد مخدر- دلال‌های بین‌الملل و واسطه‌ء غارت به‌سود کارت‌های جهانی، جز این نانتظاری نیست.

زن در منطق شاه مخلوع

حتی خود محمدرضا پهلوی برخلاف این سروصدای ظاهری نه تنها هرگز در مقام اعطای شخصیت واقعی به زن ایرانی نبود بلکه اصولاً به این کار عقیده‌ای نداشت. بهترین شاهد، اعتراف خودش می‌باشد آنجا که "اورپانا فالاجی" خبرنگار زن از نقش زن در زندگی‌اش پرسید او چنین پاسخ داد:

"در زندگی یک مرد، زن به حساب نمی‌آید مگر وقتی که زیبا و دلربا باشد و خصوصیات زنانه خود را حفظ کرده باشد. قضیه این‌همینست چیست؟ این فمینیست‌ها واقعا چه می‌خواهند؟ شما می‌گوئید برابری! بسیار خوب شما مطابق قانون برابر هستید نه از لحاظ توانایی. بله شما زنان هرگز یک "میکل‌آنژ" یا یک "باخ" نداشته‌اید یا حتی یک آشپز بزرگ و اگر از امکان و فرصت صحبت کنید پاسخ می‌دهیم که شوخی است هیچ چیز بزرگی نداشته‌اید..."^۱

اینست طرز فکر محمدرضا پهلوی نویسنده کتاب "بسوی تمدن بزرگ" و مدافع

سرسخت حقوق زن! و قضاوت در این مورد را به عهده خوانندگان می‌گذاریم .



اما زنان باایمان ایران چون خوب نقشه شوم محمدرضا پهلوی را درباره دفاع از حقوق زن فهمیده بودند به عناوین مختلف با آن ، از سالها قبل به مبارزه منفی برخاستند اما نه بصورت متراکم و مشخص ولی در دو سال اخیر این نفرت‌ها و انزجارها تبدیل به مشت‌های گره کرده شد .

راستی زنان ایران سهم بزرگی در انقلاب اسلامی ایران دارند که نه تنها در تاریخ ایران و اسلام بلکه در تاریخ جهان سابقه ندارد . شرکت زنان در انقلاب و برگشت به سوی برنامه ترقی اسلام ، یک عمل آگاهانه بود زیرا حس می‌کردند که در عصر حاضر نه تنها در ایران بلکه در اکثر ممالک جهان به خصوص در ممالک به اصطلاح متعمد صنعتی ، شخصیت زن بطور محسوسی پائین آمده و به منزله عروسکی بی اراده در دست مردان سبک‌سر و هوسران واقع گردیده است .

زنان بجای اینکه به نحو مؤثری در اجتماع ، نفوذ کرده ، استعدادهای نهفته در ذات خود را ، آشکار سازند و در سازندگی شرکت نمایند تبدیل به یک وسیله اشباع غیر مشروع غرائز جنسی گردیده‌اند و محیط کار و فعالیت اجتماع نیز ، تبدیل به یک محیط آلوده شده است و زیانهای اقتصادی و اجتماعی و خانوادگی غیر قابل جبرانی به بار آورده است .

اما اسلام راجع به حقوق زن نظر بسیار مساعدی دارد و برای او حقوقی قائل شده است که به طور تحقیق در هیچ یک از حقوق دنیا و مجامع بین المللی چنین حقوق جامعی وجود ندارد و ما در اینجا خطوط کلی حقوق زن را از نظر اسلام برای خوانندگان بازگو می‌کنیم :

وقتی خورشید اسلام از افق نیلگون این جهان سرزد و با فروغ درخشان خود ، جهان و جهانیان را روشنائی داد دنیا به دو دسته متمایز منقسم بود؛
یک دسته ملل متعمد مانند امپراطوری بزرگ روم و ایران و ملل دیگر مانند مصر و حبشه و هند و چین در میان این ملل ، زن حکم اسیر داشت یعنی انسانی که آزادی اراده و عمل نداشته باشد و از مزایای عمومی اجتماع یکلی محروم بوده و ارث نمی‌برد ، عملش احترام نداشت ، در امور خوراک و پوشاک و مسکن و ازدواج و طلاق و اقسام معاشرت و تصرف در اموال و غیر آنها ، هیچ گونه آزادی و استقلال نداشت است و هرنفسی را که

(۲۶۸)

مکتب اسلام

می‌کشید یا قدمی را از قدم برمی‌داشت با تصویب مردمی بایست انجام دهد و اگر مورد تعدی قرار می‌گرفت خود حق شکایت نداشت ، اعتنائی به دعوی و شهادت و سخن وی نمی‌شد .

دسته دیگر ملل و اقوام عقب‌مانده اهالی افریقا و سکنه گوشه و کنار جهان آنروز و زن در میان این اقوام و قبایل اصلا انسان محسوب نمی‌شد بلکه طفیلی جامعه به‌شمار رفته ، در صف حیوانات استخدام و استثمار قرار داشت ، بار می‌کشید و صید می‌کرد و خدمت مردان و تربیت بچگان و پرستاری مریضها می‌نمود و آتش شهوت شوهران یا کسانی را که آنها می‌خواستند خاموش می‌کرد و گاهی در قحطی یا مهمانیهای با شکوه با گوشت وی تغذیه می‌شد . این بود اوضاع عمومی جهان آنروز که محیط عمومی ظهور اسلام بود و محیط خصوصی وی که جزیره العرب بود بواسطه اینکه نوع اهالی آن سامان بادیه نشین بودند و در عین حال از خارج با ملل معظمه روم و ایران و حبشه و مصر محصور و از داخل با یهود یثرب و اطراف آن و نصارای یمن و عراق محصور بودند . و معظمشان بت پرست بودند ، رسوم زندگیشان از مجموع رسومات و مقررات ملت‌ها ترکیب یافته و در اثر کسر و انکسار یک طریقه شده بود که از همه طریقه‌ها نمونه‌هایی داشت . به‌همان ترتیب ، روم و ایران و ملل دیگر ، زن را از همه حقوق ، محروم قرار داده ، همیشه تحت سرپرستی مطلق‌العنان مرد نگاه داشته ، هیچ‌گونه احترام اجتماعی برایش قائل نبودند .

گذشته از اینکه در اثر اخلاق بدویت ، اساسا زن ، را مایه عار می‌دانستند و از دختر نفرت داشته و بدشان می‌آمد و حتی قبیله بنی تمیم دختر هارا زنده درگور می‌کردند چنانکه قرآن کریم خصوصا باین دو موضوع متعرض شده :

" و اذا بشر احدکم بالانثی ظل مسودا و هو کظیم ، یتواری من القوم من سوء ما بشر به ايمسکه علی هون ام یدسه فی التراب الاساء ما یحکمون^۱

" و اذا الموءودة سئلت باي ذنب قتلت^۲ " یعنی وقتی که یکی از آنها را به ولادت دختری مؤده دادند در حالیکه غیب خود را فرو می‌برد رویش سیاه می‌شود و از بیدی گزارش ، از چشم مردم پنهان می‌شود ! آیا آن دختر را در خواری همیشگی نگاه می‌دارد؟ یا بخاک می‌مالد؟ چه حکم بدیست که می‌کنند " در روز قیامت از دختری که زنده به‌گور شده سؤال می‌شود که بچه‌گناهی کشته شده؟ "

در چنین محیطی که توصیف شد اسلام زن را جزء حقیقی و عضو کامل جامعه انسانی قرار داد و از اسارت بیرون آمده و آزادی اراده و عمل به‌وی بخشید .



اما شرکت فعالانه زنان در امور اجتماعی و اداره کشور باید گفت که در قوانین اسلام، برای نمونه، قانونی دیده نمی‌شود که زنان را محبوس و زندانی در خانه بدانند از خروج زن از خانه و شرکت در امور اجتماع صریحا منع کند و لزوم پوشش برای زنان (حجاب) در مقابل مردان و عدم اختلاط با آنان، هرگز چنین مفهومی ندارد چنانکه معلوم است حجاب اسلامی نه تنها با عزت و احترام و شخصیت و حقوق مشروع زن به هیچوجه منافاتی ندارد بلکه اصولا برای این جعل شده است که احترام و منزلت زن را در جامعه بالا برد و از آلودگی جامعه به فساد و هرج و مرج جنسی، جلوگیری بعمل آورد.

آری در ایران باستان و هند و روم و نزد بعضی در مذاهب مثل یهود و مجوس، حجاب معنی محبوس بودن در خانه را داشته است بطوری که گاهی درباره حقوق وی دچار افراطی ترین افکار بوده‌اند چنانکه "ویل دورانت" در جلد اول ص ۵۵۲ تاریخ تمدن آنرا نقل می‌کند.

اما در اسلام زنان تنها از بعضی از عبادات مثل نماز و روزه چند روزی در ماه معاف هستند. و هم خوابگی با آنها نیز در مدت عادت بخاطر سلامت مرد و زن و حفظ نسل ممنوع می‌باشد ولی در سایر امور مربوط به فعالیت های اجتماعی با دیگران هیچ گونه ممنوعیتی ندارد تا مجبور به گوشه‌نشینی و زندانی بودن ایشان در خانه گردد.

اسلام نه تنها شرکت زنان را بطور معقول در مراسم دسته جمعی نکرده بلکه در پاره‌ای از موارد نیز واجب نموده است مانند حج در صورت جمع بودن شرایط و خوب، شرکت او در این مراسم واجب می‌گردد و حتی شوهر او حق ندارد او را منع کند.

چنانکه بر زنان واجب است هنگامی که سرزمین‌های اسلامی و حوزه مسلمین مورد تهاجم دشمنان و کفار و منافقان واقع شود هم چون مردان قیام کرده، اسلحه به دست گرفته از استقلال و حیات حوزه مسلمین دفاع کند زیرا در این صورت، از نظر اسلام، نه تنها اداره خانواده و حق شوهر و تربیت فرزندان بلکه حیات افراد مسلمانان به طور کلی تحت الشعاع مسأله مهمتری قرار می‌گیرد. و آن نابودی استقلال مسلمین و یاهم بستگی کامل مسلمین و... می‌باشد.

بلکه بالاتر، زنان در مواقع لزوم می‌توانند در پیروزی مسلمین بر دشمنان در جنگها (به عنوان جهاد) به صورت پرستار و برای رسیدگی به سربازان زخمی و مجروح در پشت جبهه شرکت کرده و با بستن جراحات وارد بر آنان و تقویت روحیه جنگی سربازان کمک مؤثری بنمایند.

مطالعه تاریخ صدر اسلام و حالات حضرت فاطمه (ع) بانوی اسلام و سایر زنان ائمه (ع) به خوبی روشن می‌سازد که آنها در فعالیت های اجتماعی شرکت می‌کردند و ما به جهت اختصار از ذکر موارد آن خودداری کردیم .

زن و آموزش و پرورش

و در موضوع تعلیم و تربیت و آموزش و روابط مشروع اجتماعی و معاشی پسنده، کمترین تفاوتی با مرد ندارند . البته معلوم است که تظاهر به زینت ننشد و جلف و خودنمایی و عشوہگری ننموده به فساد در جامعه دامن نزنند (لاجناح علیکم فیما فعلن فی انفسهم بالمعروف) سوره بقره آیه ۲۳۴ یعنی بر شما گناهی نیست که آنسان در حق خویش کاری شایسته نمایند از زینت کردن و شوهر نمودن اگر کردارشان به خوبی و مطابق قانون شرع باشد) پس زن نیز مثل مرد می‌تواند تحصیلات خود را در هر رشته ای تا سطح عالی رسانده، دکتر و مهندس و استاد و دبیر و معلم و غیر آن بشود .

و در مورد اعمال و مزایای دینی که در نظر اسلام، یگانه منشأ اختلاف مقام و کرامت و احترام می‌باشد تفاوتی میان زن و مرد نیست (انی لاضیع عمل عامل منکم من ذکر او انثی بعضکم من بعض) آل عمران آیه ۱۹۵ یعنی عمل هیچ کس از مرد و زن را بی‌مزد نگذارم (چه آنکه همه در نظر خدا یکسانند بعضی بر بعضی دیگر برتری ندارند مگر بطاعت و معرفت) .

" یا ایها الناس انا خلقناکم من ذکر و انثی و جعلناکم شعوبا و قبائل لتعارفوا ان اکرکم عبدالله اتقاکم " حجرات - ۱۳ یعنی "ای مردم ما همه شما را از مرد و زنی آفریدیم و شعب و فرق مختلف گردانیدیم تا یکدیگر را بشناسید، بزرگوارترین شما نزد خدا بانقواترین مردمند . "

و در زمینه‌ای که هیچ گونه امتیازی در طبقه‌ای شناخته نشده تنها امتیاز، تقوی و خدمات دینی در اسلام اعتبار داشته و در این مرحله، زن با مرد تفاوتی ندارد و یکن با تقوی از هزار مرد بی‌تقوا محترم تر و مقدم تر است .

فعالیت های زن در اجتماع

اسلام از طریق دادن حق امر به معروف و نهی از منکر که یک وظیفه عمومی است زنان را نیز مثل مردان در اداره اجتماع سهیم نموده است و تنها همین اصل کافی است که

یقین کنیم اسلام زن را از جامعه طرد نمی‌کند و دست او را از مسائل اجتماعی کوتاه نمی‌سازد نه تنها چنین کاری را نمی‌کند بلکه شرکت در مسائل اجتماعی را از طریق لزوم امر به معروف و نهی از منکر بر هر زن و مرد مسلمانی - بر او واجب می‌کند . بانوان مسلمان می‌توانند از طریق استفاده از حق امر به معروف و نهی از منکر هرگونه منویات و افکار اصلاح طلبانه خود را بمنصه ظهور برسانند و جامعه را از آن بهره‌مند نمایند .

اگر روزی بانوان مسلمان دارای چنان افکار اصلاحی مهمی شدند که با حفظ عفت و اصول اسلامی حکومت اسلامی را در برابر انحرافش بیفشار گذاشتند و او را استیضاح کردند هیچ قانونی جلوی این نهضت را نخواهد گرفت و در این صورت به مردان مسلمان نیز واجب خواهد شد که با زنان در صف متشکل واحدی قرار گیرند و با اتحاد و هم‌آهنگی هر چه کامل تر با انحراف دستگاه حکومت و برای اجرای قوانین اسلام و احیای مصالح عالیه اجتماع ، مبارزه نمایند .

این حق بزرگ اجتماعی به بانوان میدان می‌دهد که تمام استعداد های خود را در امور و مصالح و فعالیت اجتماعی پرورش دهند و از مزایای حیات اجتماعی بهره‌مند گردند .

اما از حیث دخالت در اداره امور کشور ، زن نیز حق رأی دادن و حق رأی گرفتن دارد چنانکه امام خمینی رهبر انقلاب اسلامی ایران این مسأله را به طور صراحت بیان فرمود و در رفراندوم اخیر نیز مورد عمل واقع شد و سایر مراجع نیز آنرا تأیید نمودند و با این رفراندوم ، زنان به عنوان نیم جمعیت ایران فعالانه حضور خود را و سهم خویش را در انقلاب و نحوه اداره کشور با جدیت و علاقه فوق العاده‌ای نشان دادند .

و نیز زنان می‌توانند در احزاب اسلامی که بهترین ضامن و پشتوانه جمهوری اسلامی است فعالانه شرکت کنند و در ضمن انجام وظیفه ، استعداد و میزان فعالیت و کوشش خود را در بطن رساندن انقلاب اسلامی بمنصه ظهور برسانند و در حفظ و حراست مملکت و مسیر طبیعی اداره کشور ، سهم باشند .

زنان در انتخاب شوهر اختیار کامل دارند و هیچ فردی بر زن رشید و بالغ حق تحمیل انتخاب شوهر را ندارد و تصمیم را در این مورد ، خود می‌گیرد . البته پدر و مادر ، به عنوان افراد دلسوز ، مورد شور قرار می‌گیرند و در اینصورت نیز ، تصمیم نهائی با خود او خواهد بود . نه پدر و مادر و سایر فامیل .

در مورد حق طلاق باید گفت که زن نیز می‌تواند از حق طلاق در صورت لزوم استفاده کند در صورتی که مرد در عقد ازدواج زن را وکیل کند که در صورت عدم انجام

هریک از وظایف شرعی که به عهده مرد می‌باشد، زن بتواند خود را طلاق دهد. اما در مورد تعدد همسر باید گفت که در اسلام تعدد همسر وجوب نداشته، تنها در مورد لزوم، آنهم طبق ضوابط خاصی با مراعات عدالت انجام می‌گیرد و این شرایط و ضوابط، کمتر، اتفاق می‌افتد و انگهی لابد دادگاه اسلامی در تحقق ضوابط و مراعات عدالت، نظارت می‌کند.

در موضوع ارث بحسب ظاهر گو اینکه زن معادل نصف مرد ارث می‌برد، (لذا ذکر مثل حظ الانثیین) سوره نساء آیه ۱۱۱ یعنی "یک مرد معادل سهم دو زن ارث می‌برد" ولی از راه دیگر این کمبود، تدارک گردیده و آن این است که نفقه (مخارج زندگی) زن به عهده مرد گذاشته شده است.

وقتی که ما با نظر کلی، به جامعه انسانی نگاه کنیم موجودی ثروت جهان در هر عصر از آن جمعیت همان عصر می‌باشد که تا زنده هستند از آن بهره مند بوده و پس از خود، به اعقاب خودشان به ارث می‌گذارند و همین که طبقه حاضر منقرض شد و طبقه بعد که به حسب عادت بالمناصفه از زن و مرد مرکب اند روی کار آمد در صورت ظاهر دو ثلث از آن مردان و یک ثلث، مال زنان ولی در اثر تحمیل نفقه زن بر مرد یک ثلث ثروت که مال زن است از تصرف مردان به کنار مانده و دو ثلث مال مردان بالمناصفه میان مرد و زن مورد مصرف قرار خواهد گرفت و در نتیجه دو ثلث ثروت جهان در ملک مردان درآمد و یک ثلث برای زنان باقی می‌ماند و دو ثلث ثروت جهان مورد تصرف زنان قرار گرفته و یک ثلث مصرف مردان می‌گردد (ولهین مثل الذی علیهن بالمعروف): احکامی به نفع زن تشریح شده که معادل است با آنچه به ضررش تمام شده است سوره بقره ۲۲۸ "به حسب این سنخ تقسیم مرد از حیث مالکیت و اداره ملک به قسمت اعظم ثروت زمین مسلط و زمام آن به دست وی سپرده شده است و زن از حیث تصرف و بهره‌مندی و برخورداری به بخش عمده ثروت، مسلط و از آن کامیاب است و عدل اجتماعی جز این اقتضای ندارد.



چنانکه خوانندگان به خصوص زنان انقلابی ایران با توجه به خطوط اصلی نظر اسلام در مورد حقوق زن مشاهده می‌کنند که در قوانین اسلام در حقوق بالا هیچ گونه نقصی و بطور کامل حقوق مشروعه آنها را تأمین کرده است که به طور جزم در هیچ یک از قوانین بین‌المللی و ادیان و مذاهب و مکاتب دنیوی و امروز نظیر آن وجود ندارد. ولی متأسفانه فرصت طلبان و دشمنان داخلی و بقایای رژیم و گروههای چپ نما و راست نما به منظور تضعیف انقلاب و حوزه رهبری، هرروز سازهای جدیدی می‌نوازند

و تفرقه‌ها و تحریکات تازه‌ای براه می‌اندازند.

مثلاً هنگامی که امام به خانمها هشدار می‌دهد که با لباس اسلامی به سرکار بروند عده‌ای از زنان شناخته شده سرشناس و دشمنان انقلاب جنجال راه می‌اندازند طبعاً جمعیت دیگری که از توطئه پشت پرده ناآگاه هستند با آنها همراه می‌شوند و در حالی که منظور از حجاب چادر نبوده بلکه حجاب عصمت و عفت است که لباسی ساده و یا حفاظ مظهر آن است.

در این مورد دکتر مهدی پرهام در مجله نگین شماره ۱۶۴ تعبیرهای جالبی بکار برده و حیقم آمد که در خاتمه این گفتار خوانندگان از آن بی‌اطلاع باشند؛ وقتی امام به خانمها هشدار می‌دهند که با لباس اسلامی بر سرکار بروید منظور چادر نمازی و روسری نیست همانطور که آیه‌الله طالقانی در مصاحبه تلویزیونی در نهایت ظرافت و درایت آن را تشریح کردند، منظور از حجاب، حجاب عفت و عصمت است که لباس ساده و یا حفاظ مظهر آنست - بدیهی است که با مینی‌ژوپ و پیراهن سینه‌چاک که نیمی از ران و سینه را در معرض تماشا می‌گذارد بر سرکار رفتن یا عطری تند و شهوت‌انگیز استعمال کردن و برای مدیر کل و معاون و وزیر در حکم عیال دوم بودن، نه معنی آزادی و از بند رستگاری است و نه شخصیتی را اثبات می‌نماید، بلکه اسارتی است در زندان لوکس و صادرات بنجل امپریالیسم استثمارگر و دست به‌دست مردان هرزه‌گشتن و زندگی شیرین خانوادگی را فدای زندگی عشرتکده و کاباره کردن و به‌صورت بازچه درآمدن، آنچه معنی آزادی و شرف می‌دهد و زن آزاده باید از آن دفاع کند حق برابری زن و مرد در مقابل قانون و برخورداری از حقوق سیاسی و اقتصادی و اجتماعی است و سعی در تصحیح قانون‌حمایت خانواده و رسمی کردن حق طلاق و بالاخره داشتن آزادی شغل و حرفه است و رویهم‌رفته کسب حیثیت و شخصیتی که وقتی با مرد مقابل می‌شوند، مرد فکر نکند فقط یک کار دارد و آن ایجاد رابطه جنسی است و دیگر هیچ... و این میسر نمی‌گردد مگر اینکه حجاب عفت و عصمت در میان باشد و لباس و بزک زن منحصرآمادگی سکسی را اعلام نکند - اما شعار "روسری یا توسری" که منافقان ابداع کرده‌اند بیشتر معرف مردمی فرومایه و دور از شرف انسانی است تا معرف زنی مظلوم و ستمکش و به وضوح پیدا است که ساخته و پرداخته دسیسه‌گرانی فرومایه است که می‌خواهند آشوب برپا بکنند...

۱- مصاحبه با تاریخ ص ۱۵

۲- سوره نحل آیه ۵۹

۳- سوره نکویر آیه ۹